

## مزامیر باب ۸۴

سرودی از خاندان قورح  
اشتیاق برای معبد بزرگ  
۱ ای خداوند متعال، چه دلپذیر است خانه تو!  
۲ چقدر دلم می‌خواهد که در آنجا باشم،  
و چقدر آرزو دارم که در صحن خانه تو ساکن باشم  
و با تمام وجودم سرود شادمانی  
برای خدای زنده بسرایم.  
۳ حتی گنجشکان در آنجا برای خود لانه‌ای  
و پرستوها آشیانه‌ای ساخته‌اند  
تا جوجه‌های خود را در پناه قربانگاه تو بگذارند،  
ای خدای متعال، ای پادشاه من و ای خداوند من.  
۴ خوشا به حال کسانی که در خانه تو ساکنند  
و همیشه سرود حمد و سپاس برای تو می‌خوانند.  
۵ خوشا به حال آنانی که از تو نیرو می‌یابند  
و آرزوی زیارت کوه صهیون را دارند.  
۶ وقتی که از صحرای خشک بکاء گذر می‌کنند،  
آنجا را چشمه‌سار می‌سازند  
و باران پاییزی آنجا را سیراب می‌سازد.  
۷ هر قدر پیشتر می‌روند، زیادتر قوت می‌گیرند  
و خدای خدایان را در صهیون زیارت می‌کنند.  
۸ ای خداوند و ای خدای متعال، دعای مرا اجابت کن.  
ای خدای یعقوب، به من گوش بده!  
۹ خدایا، پادشاه ما را برکت بده،  
پادشاهی که خودت او را برگزیده‌ای.  
۱۰ <sup>۴</sup> یک روز در صحن خانه تو بودن،  
بهتر است از هزار روز در جای دیگر بودن.  
در بانی خانه تو را  
بر زندگی در کاخ شریران ترجیح می‌دهم.  
۱۱ زیرا خداوند، نور و پشتیبان ماست.

ما را به لطف برکت خویش افتخار می‌بخشد.  
او هیچ چیز نیکو را از کسانی که به راه راست می‌روند  
دریغ نمی‌کند.  
۱۲ ای خداوند متعال، خوشا به حال کسی که بر تو توکل می‌کند.